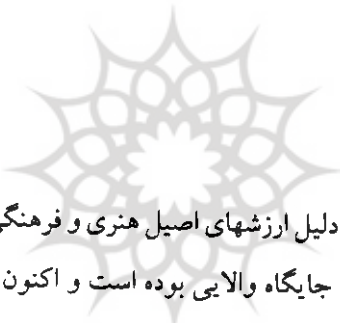


## نقش اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی قالیباف

مریم هاشمی

(کارشناس ارشد علوم اجتماعی)



صنایع دستی به‌عنوان صنعتی ملی، به‌دلیل ارزشهای اصیل هنری و فرهنگی آن از گذشته‌های دور در تمام ابعاد زندگی مردم - کشور ایران دارای جایگاه والایی بوده است و اکنون نیز همچنان باید این موقعیت حفظ شود. کثرت نیروی انسانی شاغل در این گونه صنایع، راحتی و سهولت تهیه و تأمین مواد اولیه آن از منابع و ابزار داخلی، نیاز به سرمایه‌گذاری محدود و ارزش افزوده زیاد آن، نداشتن پیچیدگی در تولید و ساخت، شرایط و زمینه‌های مناسب را در جهت ایجاد و توسعه صنایع دستی در مناطق مختلف و به‌خصوص در مناطق روستایی و عشایری به‌وجود آورده است. علاوه بر این تأثیر صنایع دستی بر توسعه کشاورزی و دامداری و تأمین درآمد ارزی درخور توجه، افق روشن را برای حفظ، تداوم و گسترش صنایع دستی می‌گشاید. افزایش تعداد کشورهای صادرکننده این صنایع حاکی از اهمیت مسئله است. ضمن آنکه در سالهای اخیر از طرف شورای جهانی وابسته به یونسکو (متشکل از ۸۲ کشور جهان) مورد

توجه قرار گرفته است.<sup>(۱)</sup>

شاخصهایی نظیر وجود صنایع دستی در بیش از ۲۸ هزار روستا، تمامی مناطق عشایری و جمعیت چندمیلیونی شاغل در این صنعت و اینکه صنایع دستی هم اکنون دومین محصول صادراتی و تأمین کننده ارز کشور پس از نفت است، گویای اهمیت و نقش مؤثر این رشته از فعالیت بوده و توجه بیشتر از پیش به آن در برنامه‌های توسعه ضروری است. در کشور ما با توجه به عوامل متعدد از جمله؛ رشد بالای جمعیت، محدودیت ایجاد امکانات شغلی جامعه روستایی، قرار گرفتن کشاورزی به عنوان محور توسعه، لزوم حفظ تعادل جمعیت شهر و روستا و نقش اساسی صنایع دستی به عنوان عامل مکمل اقتصاد روستایی، این صنعت را از اهمیت خاصی برخوردار می‌سازد.<sup>(۲)</sup>

در برخی از نقاط روستایی که فعالیتهای کشاورزی نمی‌تواند نیاز مالی خانواده را تأمین کند سهم عمده‌ای از خانوار از طریق صنایع دستی و به خصوص بافت قالی تأمین می‌شود که بیش از ۹۰ درصد این‌گونه فعالیتها به وسیله زنان و دختران روستایی انجام می‌شود.<sup>(۳)</sup>

به‌طور کلی صنایع دستی اهمیت و نقش زیادی را در خود اشتغالی زنان روستایی داراست. از نظر اقتصادی کار در زمینه صنایع دستی برای هر خانواده روستایی میسر است. یعنی با اختصاص میزان محدودی سرمایه می‌توان به کار در این صنعت پرداخت. خود اشتغالی زنان و دختران روستایی از طریق گسترش صنایع دستی در روستاها قادر است تا حد زیادی نقش اقتصادی - اجتماعی زنان روستایی را ارتقا بخشد و شرایط مناسبتری را از لحاظ اجتماعی - برای آنها فراهم سازد.

ارزش اقتصادی کالاها در جهان امروز بر شاخصهای شناخته شده‌ای استوار است که احتمالاً به‌خاطر کیفیت خاص کالایی مثل فرش، برخی از آنها منطبق بر این نوع کالا نیست ولی اگر عمده‌ترین ویژگی در فرایند تولید یک کالای مفید را در سه مورد زیر فرض کنیم می‌توانیم نتیجه بگیریم که فرش در کشور ما از ارکان مهم اقتصاد به‌شمار می‌آید:<sup>(۴)</sup>

الف - میزان اشتغال

ب - میزان بازدهی اقتصادی: سرمایه‌گذاری، ارزش افزوده، درآمد ارزی

ج - میزان خودکفایی

### الف - میزان اشتغال:

اطلاعات موجود در بخش صنایع دستی و خانگی نشان می‌دهد که قالی، قالیچه و گلیم‌بافی با حدود ۷۸ درصد متداولترین صنعت خانگی در بین خانوارهاست.

جدول شماره ۱: خانوارهای دارای صنعت خانگی برحسب عمده‌ترین صنعت خانگی

به تفکیک نقاط شهری و روستایی<sup>(۵)</sup>

صنعت خانگی	کشور	ساکن در نقاط شهری	ساکن در نقاط روستایی
جمع	۵۳۹۶۶۹	۱۳۹۱۰۴	۴۰۰۵۶۵
قالی، قالیچه و گلیم‌بافی	۴۱۹۹۳۰	۱۰۰۲۲۰	۳۱۹۷۱۰
ریسندگی الیاف و پارچه‌بافی	۱۱۴۳۲	۳۷۶۹	۷۶۶۳
دوزندگی و بافندگی پوشاک	۳۹۰۶۴	۲۴۸۳۳	۱۴۲۳۱
سبد و حصیربافی	۱۳۹۰۳	۸۵۴	۱۳۰۴۹
تولید مواد غذایی	۴۰۸۱۱	۵۲۸۴	۳۵۵۲۷
سایر	۱۴۵۲۹	۴۱۴۴	۱۰۳۸۵

صنعت قالی، قالیچه و گلیم‌بافی با ایجاد اشتغال برای ۴۱۹۹۳۰ خانوار بیشترین سهم را از جهت درآمدزایی و اشتغال در کشور دارد و خانوارهای ساکن در نقاط روستایی شاغل در این صنعت تعداد و

درصد بیشتری را نسبت به خانوارهای شهری دارا هستند. (حدود ۸۰ درصد)

چنانچه بر آمارهای منتشر شده در سالهای اخیر جهادسازندگی استناد کنیم تعداد دانشناسایی شده. ۸۰۵۸۱۷ و تعداد بافنده شاغل حدود ۱/۰۰۰/۰۰۰ نفر برآورد شده است. محاسباتی نظیر متوسط ۵ نفر برای هر خانواده قالیباف و افرادی در ۲۸ رشته شغلی مربوط به این حرفه (مانند بازرگان پشم، حلاجی، پشم‌ریسی، کلاف‌کنی، چله‌کشی، رنگرزی، نقاشی، شویندگی... فعالیت می‌کنند، بر خورداری رقمی حدود ۶ تا ۸ میلیون نفر از این فعالیت اقتصادی چندان دور از ذهن به نظر نمی‌رسد. (۷)

براساس نظر کارشناسان، اشتغال زنان در زمینه صنایع دستی همراه با مشارکت در سایر فعالیتهای اقتصادی نظیر تولیدات کشاورزی و در کنار مدیریت منزل تأثیر بسیار زیادی بر خانواده روستایی برجای می‌گذارد. این تأثیرات عبارتند از: (۸)

- ۱ - «افزایش بهره‌وری و تولیدات در بخش کشاورزی و کاهش ضایعات.»
- ۲ - «حفظ، ارتقا و متنوع ساختن کیفیت تولیدات صنایع دستی در مناطق روستایی.»
- ۳ - کاستن از فاصله درآمدی خانوار شهری و روستایی: فعالیت زنان روستایی در تولید صنایع دستی و درآمد حاصل از آن سبب می‌شود که فاصله عمیق بین خانوارهای شهری و روستایی از نظر سطح درآمد کاهش یافته و یکی از هدفهای توسعه عملی شود.
- ۱ - ۳ - انتقال درآمد: تولید فرش در جامعه روستایی و فروش آن در بازارهای ملی و یا بین‌المللی، ارزش افزوده بیشتری را به مناطق روستایی منتقل می‌کند و در نتیجه باعث افزایش درآمد روستاییان می‌شود.
- ۲ - ۳ - کند کردن روند مهاجرت: زن روستایی از طریق اشتغال در این صنعت سهم چشمگیری از درآمد خانواده را تأمین می‌کند، خانواده روستایی مجبور

به‌مهاجرت به سوی شهر نشود. این نکته در کشورهایی که قسمت اعظم درآمد خود را از طریق صدور محصولات زراعی به‌دست می‌آورند از اهمیت بیشتری برخوردار است.

۳ - ۳ - با ایجاد زمینه‌های لازم، ابتکارات، خلاقیتها و استعدادها را در مناطق روستایی ارتقا می‌بخشد.

۳ - ۴ - با تولید برخی کالاها قسمتی از نیاز کشور و روستاییان تأمین می‌شود.  
۳ - ۵ - اشتغال نیروی کار مازاد در بخش کشاورزی و به‌کارگماردن نیروی کار فعال و جلوگیری از بیکاری جمعیت.

۳ - ۶ - فراهم کردن زمینه‌هایی برای اجرای برنامه‌های توسعه در روستاها.

۴ - کاهش هزینه تولید محصولات کشاورزی: از پیامدهای کسب درآمد زنان روستایی از طریق این صنعت بر اقتصاد خانواده می‌توان به‌موارد هزینه درآمد حاصل از این فعالیت اشاره کرد درآمدی که به‌وسیله زنان روستایی از طریق تولید صنایع دستی حاصل می‌شود، قدرت خرید خانواده را بالا خواهد برد، در نتیجه سرپرست خانواده می‌تواند با خرید ابزار مکانیزه کشاورزی مثل: تراکتور و... نیروی انسانی کمتری را به‌استخدام درآورده و در نتیجه هزینه فرد کاهش می‌یابد.  
۵ - ارتقای پایگاه اجتماعی زن روستایی: کسب درآمد از طریق تولید صنایع دستی به‌وسیله زن روستایی باعث می‌شود مقام و منزلت وی ارتقا یابد و این نگرش که زنان عناصری غیرفعال هستند که فقط وظیفه خانه‌داری را به‌عهده دارند به‌مرور از اذهان زوده خواهد شد.

مواردی که ذکر شد جنبه‌های مثبت اشتغال زنان در زمینه تولید صنایع دستی است، حال آنکه، اشتغال زنان و دختران در امر قالبیابی، اگر طبق اصول و برنامه‌ای صحیح صورت نگیرد پیامدها و

جنبه‌های منفی نیز به دنبال خواهد داشت از جمله آسیب‌پذیری بافندگان قالی که بیماریهایی چون: ضعفی چشم، دست درد، کمردرد، سوزش گلو و سینه و... را می‌توان خاطر نشان ساخت. از جمله عوارض دیگر می‌توان به استثمار کودکان اشاره کرد. با وجود آنکه قانون کار ظاهراً به کار گماشتن کودکان کمتر از ۱۲ سال را منع کرده ولی به دلیل پراکندگی مراکز قالیبافی و نداشتن نظارت دقیق و مستمر بر آنها می‌توان قضاوت کرد که تنها معدودی از کودکان در محدوده شهرها از این قانون بهره‌مند شده‌اند.

### ب - میزان بازدهی اقتصادی - سرمایه‌گذاری - ارزش افزوده درآمد ارزی

به همان اندازه که محاسبه نیروی انسانی شاغل در قالیبافی آسان است، در مقابل محاسبه میزان سرمایه‌گذاری به علت وجود ضوابط متعدد بسیار مشکل است. براساس نظریات کارشناسی مراکز مختلف کشور که به صورتی در صنعت فرش فعال هستند، می‌تواند تا حدی ارقام واقعی موجود را نشان دهد.

«هر چند بهبود شرایط اقتصادی و اجتماعی بر روند تولید فرش تأثیر مستقیم داشته و طی دهه ۵۰ شاید به‌مرز ۵/۵ میلیون متر مربع تولید هم رسیده است ولی برای اینکه عوامل بازدارنده رکود اقتصادی را نیز از نظر دور نداریم، بهای محاسبه را بر قدرت تولید یک میلیون بافنده و ۸۰۰/۰۰۰ دار قالیبافی قرار می‌دهیم که چنانچه برای هر نفر متوسط ۴ متر تولید و یا هر دستگاه ۶ متر تولید در نظر بگیریم رقم تولید سالیانه حداقل ۴ میلیون متر مربع خواهد بود (این ارقام براساس حداقل‌ها محاسبه شده است، زیرا به‌علت گسترش تک‌بافی‌ها به‌آمار قطعی دسترس نیست) اگر حداقل قیمت تمام شده برای هر متر قالی ۱۰۰/۰۰۰ ریال در نظر گرفته شود میزان سرمایه‌گذاری به‌رقمی در حدود (۴ × ۱۰۴) یعنی ۴۰ میلیارد ریال بالغ خواهد شد، در این محاسبه سرمایه‌های غیرفعال ناشی از وجود فرشهای خانگی و یا درون انبارها و یا فرشهایی که طی سالهای اخیر به‌علت محدودیت صادرات از جریان و

گردش عادی خارج شده‌اند منظور نشده است. از این رقم اگر حداکثر ۲۰ درصد مربوط به قیمت مواد اولیه و هزینه‌های جنبی باشد، ۸۰ درصد بقیه ارزش افزوده‌ای است که بخشی از آن نصیب واسطه‌ها شده و بقیه دستمزد بافنده است که بافندگان شهری به تناسب نوع بافت و نقشه مزد بیشتری دریافت می‌دارند. در مورد درآمد ارزی حاصل از فروش فرش در ساختار اقتصاد کلان کشور می‌توان به ارزش صادرات فرش و سهم آن در مجموعه صادرات غیرنفتی اشاره کرد:

جدول شماره ۲: ارزش صادرات فرش در کل صادرات غیرنفتی<sup>(۱۰)</sup>

سال	ارزش به میلیون ریال	سهم فرش در صادرات غیرنفتی
۱۳۶۲	۷۷۶۲	۲۵/۰۲٪
۱۳۶۴	۱۰۱۱	۲۴/۷۵٪
۱۳۶۶		
۱۳۶۸	۲۴۹۰	۳۳/۳۲٪
۱۳۷۰	۷۸۷۵	۴۴/۲۵٪
۱۳۷۲	۹۷۷۸	۳۷/۰٪

براساس اطلاعات فوق در سالهای اجرای برنامه اول توسعه میزان درآمد حاصل از صادرات فرش افزایش یافته و سهم آن به طور متوسط حدود ۳۸ درصد بوده است. رشد ارزش فرش نسبت به وزن آن در این سالها ناشی از تغییر ترکیب صادرات فرش بوده است به این معنا که به دنبال سیاست بانک مرکزی مبنی بر خرید ارز صادراتی به نرخ ارز شناور، صادرکنندگان تلاش می‌کنند که فرشهای گرانقیمت تر را که کار بیشتری برده‌اند و ارزش افزوده بیشتری را نصیب کشور می‌کنند، صادر کنند.

### ج - میزان خودکفایی

بیشترین اهمیت فرش و تولید آن، خودکفایی آن است که می‌توان این صنعت را در زمره صنایعی به‌شمار آورد که از خودکفایی بالنسبه کاملی برخوردار است. هر چند با مشکلاتی که کشور با آن مواجه بوده است، از خودکفایی این صنعت تا حد زیادی کاسته شده و وابستگی آن افزایش یافته است ولی هنوز هم در بسیاری از روستاها و تقریباً تمامی مناطق عشایر نخ و خامه از پشم دامها تهیه و به‌وسیله رنگهای طبیعی و سنتی رنگ می‌شود و تمام مراحل تا مرحله بافت به‌صورت سنتی انجام می‌شود.

### ۱ - هدفهای تحقیق

دستیابی به هدفهای توسعه روستایی در حالی که وضعیت و واقعیت‌های موجود در جامعه روستایی ناشناخته مانده است ممکن نخواهد بود. در این میان شناسایی و بررسی وضعیت آن گروه از افراد جامعه روستایی که در برنامه‌های توسعه روستایی کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند از اهمیت بیشتری برخوردار خواهد بود.

«به اعتقاد اکثر صاحب‌نظران مسائل توسعه روستایی، زنان روستایی یکی از گروههای موجود در جوامع روستایی هستند که بنا به دلایل مختلف اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کمتر مورد توجه برنامه‌ریزان واقع شده‌اند؛ متأسفانه این مسئله در کشورهای جهان سوم بیشتر لمس می‌شود و کشور ما نیز از این نظر مستثنی نیست. این در حالی است که مطالعات و بررسیها نشان می‌دهد که زنان روستایی در این گونه کشورها نقشهای عمده‌ای در فعالیتهای تولیدی برعهده دارند و فعالیتهای داخل منزل آنان نیز در اکثر موارد جنبه تولیدی داشته و در افزایش درآمد خانوار روستایی تأثیر به‌سزایی دارد.»<sup>(۱۱)</sup>

هدف کلی این تحقیق شناخت نقش اجتماعی - اقتصادی زنان روستایی قالیباف و مشخص کردن کارکرد آنها در جامعه روستایی است.

این هدف کلی در قالب هدفهای جزئی‌تری به‌بررسی گذاشته شده است:



## ۱ - شناخت ویژگیهای اجتماعی زنان روستایی قالیباف:

- ۱ - ۱ - بررسی رابطه بین سن قالیبافان و تولید قالی
- ۱ - ۲ - میزان ارتباط سطح آموزش با کار قالیبافی در بین زنان و دختران
- ۱ - ۳ - بررسی رابطه بین سن و سواد قالیبافان

## ۲ - بررسی چگونگی آسیب پذیری زنان روستایی قالیباف:

- ۲ - ۱ - بررسی رابطه بین آسیب پذیری قالیبافان با محیط کار آنها.
- ۲ - ۲ - بررسی رابطه بین آسیب پذیری بافندگان با ساعات کار فشرده و بافت مداوم قالی.

## ۳ - شناخت کارکرد اقتصادی زنان روستایی قالیباف:

- ۳ - ۱ - بررسی سهم زنان در تولید قالی.
- ۳ - ۲ - نقش زنان قالیباف در تأمین درآمد و گردش امور خانواده.
- ۳ - ۳ - نشان دادن سهم زنان قالیباف در تأمین درآمد خانوار.

## ۴ - چگونگی مشارکت زنان در تصمیم گیریهای خانواده و شرکت تعاونی فرش دستباف:

- ۴ - ۱ - نقش زنان قالیباف در چگونگی مصرف درآمد حاصل از فروش قالی.
- ۴ - ۲ - نقش زنان قالیباف در تصمیم گیریهای آموزشی فرزندان.
- ۴ - ۳ - چگونگی مشارکت زنان قالیباف در تشکلهای تعاونی قالیبافان.

## روش تحقیق

برای تحقق هدف این بررسی از اسناد و مدارک کتابخانه‌ای مطالعات میدانی در شهرستان قم و در یک روستای نمونه (روستای قبادبزن) که فعالیت قالیبافی در آن رایج بوده، انجام گرفته است. تکنیک گردآوری اطلاعات مشاهده مستقیم، مصاحبه با روستاییان و تکمیل پرسشنامه بوده است.

## معرفی منطقه و جامعه مورد بررسی

### ۱ - منطقه: روستای قبادبزن

روستای قبادبزن در بخش کهک (نوفل لوشاتر) و در ۴۰ کیلومتری جنوب شهرستان قم قرار دارد. آب و هوای این منطقه در طبقه‌بندی اقلیمی کشور در زمره آب و هوای نیمه بیابانی محسوب می‌شود، چون نزدیک به منطقه بیابانی مرکز ایران است. تابستانهای آن گرم و خشک و زمستانهای آن کم و بیش سرد است. میزان بارندگی سالیانه این منطقه کم است. تعداد خانوار ساکن در این روستا در زمستان در حدود ۱۷۰ - ۱۸۰ خانوار و در تابستان ۲۵۰ خانوار است. این روستا دارای دبستان دخترانه و پسرانه است ولی مدرسه راهنمایی و دبیرستان اعم از دخترانه و پسرانه در این روستا وجود ندارد و تنها در بخش (کهک) و یا شهر قم چنین امکاناتی فراهم است. بدین ترتیب برای دختران روستایی امکان دستیابی به سطوح بالاتر آموزشی کمتر میسر است. به همین دلیل تعدادی از سرپرستان خانواده‌ها شغلشان را در روستا حفظ کرده و به دلیل تحصیل فرزندان خود را به شهر منتقل کرده‌اند. این خانواده‌ها غالباً در فصل تابستان که زمان فراغت فرزندان از تحصیل است، به روستا باز می‌گردند. در واقع می‌توان یکی از علتهای اصلی مهاجرت خانواده‌ها به شهر را نبود امکانات آموزشی در سطوح تحصیلی بالاتر در روستا دانست.

منابع درآمد اهالی در این روستا کشاورزی و به ترتیب اهمیت زیربخشهای: زراعت - صنایع دستی و باغداری است. مهمترین محصولات این روستا شامل گندم، جو، پنبه و حبوبات است. انگور و انار از محصولات دیگر این روستا است که به مقدار بسیار کمی تولید می شود. زارعان بیشتر خرده مالک هستند و هر زارع حداکثر تا ۵۰ من زمین دارد (کمتر از یک هکتار)، به طور کلی ۴۰ هکتار کل سطح زمینهای زیر کشت این روستاست. این روستا دارای ۲ قنات و ۱ چشمه فصلی است. بزرگترین مشکل کشاورزی این روستا کمبود آب است.

مهمترین صنعت دستی در این روستا که زنان به آن اشتغال دارند بافت قالیچه در اندازه های

مختلف است.

### جامعه آماری و تعداد نمونه

جامعه آماری در این تحقیق زنان قالیباف روستای قبادیزن هستند. در این روستا جمعاً ۷۳ خانوار عضو تعاونی فرش (جهادسازندگی) به کار قالیبافی اشتغال داشتند که ۶۰ خانوار در زمان انجام مطالعه ساکن دایم روستا بودند. در لیست دریافت شده از تعاونی فرش اسامی ۷۰ مرد و ۳ زن به عنوان اعضای تعاونی منظور شده بود، در حالی که عملاً فعالیت قالیبافی به عهده زنان خانوار بود و زنان، خود را به عنوان اعضای تعاونی معرفی می کردند. از مجموعه خانوارهای قالیباف عضو تعاونی (۶۰ خانوار) که در روستا ساکن بودند، فقط شغل یک نفر مرد قالیبافی بود. بنابراین جامعه مورد بررسی را زنان و یا دختران «۶۰ خانوار» قالیباف عضو تعاونی (ساکن روستا) باید تلقی کرد که لزوماً به نام خود این زنان، ثبت نامی در تعاونی قالیبافان صورت نگرفته است.

### جامعه مورد بررسی

#### ۱ - ویژگیهای اجتماعی زنان روستایی قالیباف:

۱ - ۱ - سن شروع به قالیبافی دختران روستایی:

اکثریت دختران در این روستا از سن ۱۰ - ۱۱ سالگی به بافتن قالی مشغول می شوند. لازم به ذکر است که دخترانی که از سنین پایین تر و در کودکی بافتن قالی را آغاز می کنند ابتدا در حد پر کردن جاهای خالی نقشه فرش (ساده بافی) است و تا سنین ۱۱ - ۱۰ سالگی به خوبی نقشه را فرا گرفته و سپس خود بافتن قالی را به طور مستقل آغاز می کنند. یافته های تحقیق نشان می دهد که تقریباً ۹۵ درصد از زنان روستایی جامعه مورد بررسی در سنین ۱۰ - ۱۳ سالگی قالیبافی را شروع کرده اند.

#### ۲ - ۱ - طول عمر قالیبافی

جدول شماره ۳: حداکثر سن اشتغال به قالیبافی زنان روستایی در جامعه مورد بررسی

گروه سنی	فراوانی	درصد
۳۵ - ۳۹ سالگی	۱	۱/۷
۴۰ - ۴۴ سالگی	۴۵	۷۵
۴۵ - ۴۹ سالگی	۱۰	۱۶/۷
۵۰ سالگی	۴	۶/۷
جمع	۶۰	۱۰۰

پرسش در مورد سنی که بعد از آن به دلایلی کار قالیبافی متوقف می شود نشان می دهد که حداکثر سن اشتغال زنان به قالیبافی در گروه سنی ۴۰ - ۴۴ سالگی (۷۵ درصد از نمونه ها) است. البته ۶/۷ درصد تا

۵۰ سالگی و بعد از آن را نیز ذکر کرده اند. به طور کلی غالباً زنان روستایی در سنین ۴۰ - ۴۴ سالگی تقریباً پس از ۳۰ سال کار سخت، از بافتن قالی به دلخواه دست می کشند و یا دیگر قادر به ارائه کار نیستند. البته این اقدام به معنای نبود دار قالی در خانه نیست، بلکه این وظیفه را پس از خود به دختران خود واگذار می کنند که در واقع واگذاری نقش است.

### ۳-۱ - انگیزه قالیبافی:

بررسی در مورد اینکه چه عاملی موجب ایجاد انگیزه برای شروع یادگیری و بافتن قالی می شود، نشان می دهد که خانواده به دلایل متعددی نقش اصلی را در تشویق دختران به قالیبافی دارد.

جدول شماره ۴: عامل ایجاد انگیزه برای قالیبافی زنان روستایی در جامعه مورد بررسی

درصد	فراوانی	عامل ایجاد انگیزه
۱۰	۶	اسم روستا
۳۳/۳	۲۰	خانواده
۳۰	۱۸	مادر
۲۰	۱۲	علاقه شخصی
۱/۷	۱	استاد قالیبافی
۱/۷	۱	علاقه شخصی و تشویق تعاونی
۳/۳	۲	سایر
۱۰۰	۶۰	جمع

همان طور که جدول فوق نشان می دهد از مهمترین عواملی که در ایجاد انگیزه برای قالیبافی در زن

روستایی مؤثر بوده است. نخست می‌توان خانواده را ذکر کرد که بیشترین درصد  $33/3$  درصد را به خود اختصاص داده و سپس مادران با  $30$  درصد رتبه‌بندی را دارا هستند. با محسوب داشتن مادران جزو خانواده، نقش خانواده در مجموع حدود  $63/3$  را از کل نشان می‌دهد. در مقابل کمترین تأثیر را در ایجاد انگیزه برای زنان روستایی، استادان قالیبافی و تعاونی هر کدام با  $1/7$  درصد دارا بوده‌اند. این مطلب نشانه کم‌رنگ شدن وجود و نقش استادان محلی قدیمی است.  $20$  درصد از زنان روستایی نیز به دلیل انگیزه و علاقه شخصی خود به این حرفه روی آورده‌اند.

#### ۴ - ۱ - سواد:

در بررسی میزان سواد زنان روستایی قالیباف مشخص شد که بیش از  $40$  درصد قالیبافان سوادشان در سطح ابتدایی است.  $60$  درصد از نمونه‌ها خود را بی‌سواد معرفی کردند و تعدادی از زنان روستایی در دوره‌های نهضت سوادآموزی یا به صورت کامل و یا ناقص شرکت کرده‌اند. این گروه بیشتر در سنین بالا هستند. در واقع رابطه‌ای معکوس بین سواد قالیبافان با سن آنها وجود دارد.

$6/7$  درصد از کل نمونه‌ها علت ادامه ندادن تحصیلاتشان را نبود امکان تحصیلی بالاتر در روستا ذکر کرده‌اند. حدود  $41$  درصد آنها فقط به نبودن امکان تحصیلی بالاتر در روستا اشاره داشته و  $26$  درصد باقی مانده نبودن امکان بالاتر را همراه با سایر دلایل ذکر کرده‌اند و همان‌طور که اشاره شد این روستا فاقد مدرسه راهنمایی و دبیرستان اعم از دخترانه و پسرانه است و این امکانات در بخش (کهک) و یا شهر وجود دارد. برای دختران امکان دستیابی به این سطوح و رفت و آمد به شهر و یا سکونت در شهر کمتر میسر بوده و پسران محدودیت کمتری در این زمینه نسبت به دختران دارند.

#### ۲ - آسیب‌پذیری زنان روستایی قالیباف

در بررسیها و مطالب نوشته شده در مورد زنان روستایی قالیباف، معمولاً مسئله فضای محیط کار و نبود

شرایط لازم برای انجام کار به‌عنوان یکی از مشکلات اصلی مطرح شده است. در این تحقیق با هدف شناخت میزان آسیب‌پذیری زنان قالیباف و پیامدهای منفی این شغل بر تندرستی آنان این موضوع مورد بررسی بیشتری قرار گرفته است. مکانی که دار قالی در آن نصب شده از نظر دو عامل نور (در طول روز) و رطوبت از دید محقق ارزیابی شده است.

از نظر وضعیت نور پنج دسته: پرنور و روشن، نور کافی، نور متوسط، نور کم، فاقد نور و تاریک طراحی و ارزیابی شده است که نشان می‌دهد بیشتر مکانها و محلهای نصب دار قالی دارای نور متوسط ۵۰ درصد هستند. در مورد رطوبت با یک طیف کاملاً مرطوب تا نامرطوب، فضای کار مورد بررسی قرار گرفت، اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که حدود ۲۸ درصد از این مکانها در گروه مرطوب قرار می‌گیرند. به‌نظر می‌رسد در مجموعه عوامل متعددی که می‌تواند تندرستی قالیباف را به‌خطر بیندازند. وجود این دو عامل همراه با عوامل دیگر باید در نظر قرار گیرند.

از نظر آسیب‌پذیری نیز تقریباً بیش از این ۵۷ درصد از زنان روستایی قالیباف در معرض بیماریهای مختلفی از جمله ضعف چشم، دست درد، کمر درد، سردرد، سوزش گلو و سینه و ناراحتی اعصاب قرار دارند که برخی چند بیماری را با هم ذکر کرده و تعدادی مبتلا به یک نوع بیماری هستند. ۶۴ درصد از نمونه‌ها مسئله ضعف چشم را عنوان کرده‌اند که غالباً ناشی از بافت نقشه‌های ریز و استفاده از نخ ابریشم است.

بافت قالیچه‌های کرک بیشتر سینه در دو سوزش گلو و بیماریهایی نظیر سل را باعث می‌شود. دست درد ناشی از استفاده از شانه‌های سنگین است که موجب ناراحتی دست و آزرده‌گی آن می‌شود که حدود ۵۳ درصد از نمونه‌ها دچار دست درد بوده‌اند. کمر درد بیشتر ناشی از بافت مداوم و ساعات طولانی پای دار نشستن است، به‌طوری‌که حدود ۳۲ درصد از زنان روستایی قالیباف بیش از ۸ ساعت در روز به‌کار قالیبافی مشغول هستند. بررسی ارتباط بین دو متغیر ابتلا به بیماری (آسیب‌پذیری) با ساعات اشتغال - قالیبافی وابستگی ضعیفی را نشان می‌دهد که ممکن است بافت مداوم به مرور زمان بر

آسیب‌پذیری زنان روستایی قالیباف افزوده و آنها را برای ابتلا به بیماری آماده سازد. از نظر مدت اشتغال به قالیبافی با آسیب‌پذیری زنان قالیباف نیز مشاهده شد که رابطه‌ای ضعیف بین این دو متغیر وجود دارد. به این معنا که آسیب‌پذیری زنان روستایی نمی‌تواند فقط به علت مدت زیاد اشتغال آنها به کار قالیبافی باشد و علل دیگری نیز در این زمینه دخالت دارند.

### ۳- نقش اقتصادی زنان روستایی قالیباف

در بررسی به عمل آمده مشخص شده است که بیش از نیمی از سرپرستان خانوارهای قالیباف مشاغلی غیر از کشاورزی دارند، این مشاغل شامل نانوايي، جوشکاری، کارمند تعاونی (جهاد سازندگی) و... است. بدین ترتیب قالیبافی بیشتر در بین خانوارهایی رواج دارد که سرپرست آنها شغلی غیر از کشاورزی دارند و احتمالاً قادر به تأمین همه هزینه‌های زندگی از این طریق نیستند.

در مورد ساعات کار روزانه، یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که حدود نیمی از قالیبافان ۴۶/۷ درصد بیشتر از ۱۵ سال دارند که به این حرفه مشغولند و اکثراً بیش از ۶ ساعت در روز به قالیبافی مشغول هستند و کمتر کسی است که در روز کمتر از ۴ ساعت به بافتن بپردازد و همین امر می‌تواند نشان دهنده حیاتی بودن قالی در اقتصاد خانواده‌ها و نیاز به درآمد آن را نشان دهد.

بافتندگان در فصل زمستان فرصت مناسبتر و بیشتری برای بافت دارند زیرا شبهای زمستان طولانی‌تر است و سردی هوا در خانه ماندن را بیشتر ایجاب می‌کند، به همین دلیل بافتندگان در این فصل بیشتر به بافتن مشغول هستند.

مشارکت زنان روستایی در تولید قالی طی سه مرحله زیر مورد سؤال قرار گرفت:

۱- تهیه مواد اولیه مثل نخ (ابریشم و یا کرک)، نقشه و...

۲- نصب دار و چله دوانی.

۳- بافت قالی



جدول شماره ۵: مشارکت زنان روستایی قالبیاف در مراحل تولید قالی

مراحل اساسی تولید قالی	زن و مرد مشترک	زن	مرد	زمان صرف شده
تهیه مواد اولیه و نقشه	۶	۸	۴۶	۳-۴ روز حداقل ۱۲۰ روز برای قالیچه ۲ متری
نصب دار و چله‌دوانی	۱	۸	۵۱	
بافت	۱	۵۹	۰	

در مراحل مختلف تهیه قالی مشاهده شد که خرید مواد اولیه قالی بیشتر به‌عهده مردان خانواده است و آنها با مراجعه به تعاونی (جهادسازندگی) و یا بازار آزاد مواد اولیه قالی را که عبارت از نخ (خامه) کرک و یا ابریشم و نقشه است، تهیه می‌کنند. در برخی از مواقع نقشه یا اجاره و یا خریداری می‌شود.

مرحله بعدی نصب دار و چله‌دوانی آن است که باید توسط اهل فن انجام شود، این کار نیز بیشتر به‌عهده مردان خانواده است و مردها مسئول آوردن چله‌دوان<sup>(۱۲)</sup> و برپا کردن دار هستند و اکثریت از نیروی چله‌دوانهای تعاونی فرش (جهاد سازندگی) استفاده می‌کنند.

پس از این مراحل مقدمات بافت قالی فراهم شده است و نخها با یاری و دستان زنان هنرمند و پرتلاش قالبیاف، بر روی تارها گلی می‌شود در بوستانی.

بدین ترتیب در مراحل قبل از شروع بافت مردان نیروی کار مورد نیاز را تأمین می‌کنند. کار آنها حداکثر حدود ۳ یا ۴ روز است که برای تهیه مواد و نصب دار و برپا کردن آن صرف می‌شود. ولی مرحله بافت که بستگی به اندازه قالیچه دارد مدت زمان مورد نیاز آن تغییر می‌کند، حداقل برای یک قالیچه ۲ متری ۳-۴ ماه را در بردارد و به‌عهده زنان و دختران بافنده است و اینجاست که اهمیت نقش آنها در تولید و تهیه قالی و تأمین بخشی از درآمد خانوار آشکار می‌شود:

جدول شماره ۶: سهم درآمد حاصل از فروش قالی در کل درآمد خانواده

درصد	فراوانی	سهم درآمد فروش قالی
۸۸/۳	۵۳	سهم چشمگیری دارد
۱۰	۶	سهم کمی دارد
۱/۷	۱	سهمی ندارد
۱۰۰	۶۰	جمع

چنانچه مشاهده می‌شود درآمد قالی در زندگی ۸۸/۳ درصد خانواده‌ها سهم چشمگیری دارد. حتی موردی دیده شد که خانم ۱۸ ساله‌ای با ۲ سال مداوم بافتن قالی و درآمد حاصل از فروش آن توانسته بود خانه‌ای برای خود و خانواده‌اش تهیه کند. گرچه زنان روستایی مورد بررسی - دلیل ادامه ندادن تحصیل خود را غالباً نبود امکانات آموزشی در روستا عنوان کرده و کمتر به نیازهای اقتصادی خانواده اشاره‌ای کرده بودند ولی با توجه به اینکه بیش از ۸۸ درصد از خانواده‌های جامعه مورد بررسی، درآمد حاصل از فروش قالی سهم چشمگیری در کل درآمد خانوار آنها داشته است. می‌توان استنباط کرد که این مسئله باندازه نبود امکانات آموزشی در ترک تحصیل دختران مهم بوده است.

#### ۴ - مشارکت زنان روستایی قالبیاف در تصمیم‌گیریها

##### ۱ - ۴ - نقش زنان قالبیاف در چگونگی مصرف درآمد حاصل از فروش قالی

با توجه و نقش مهم و اساسی زنان روستایی در تولید قالی، میزان مشارکت آنها در تصمیم‌گیریهای مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش تولید خود بسیار ناچیز است. مردان با ۸۱/۷ درصد نقش بیشتری را در این زمینه اعمال می‌کنند و فقط در ۱۰ درصد خانوارها، زنان نقش بیشتری را در چگونگی مصرف درآمد حاصل از فروش قالی دارند. در حدود ۸ درصد خانواده‌ها زن و مرد با یکدیگر و به صورت

مشترک در مصرف درآمد حاصل از فروش قالی تصمیم می‌گیرند.

جدول شماره ۷: مشارکت زنان روستایی قالیباف در تصمیم‌گیریهایی مربوط به مصرف درآمد حاصل از فروش قالی

جنس	فراوانی	درصد
زن	۶	۱۰
مرد	۴۹	۸۱/۷
زن و مرد مشترک	۵	۸/۳
جمع	۶۰	۱۰۰

در مورد موارد مصرف درآمد حاصل از فروش قالی بررسی نشان داد که ۵۵ درصد خانواده‌ها درآمد قالی را خرج خانه و زندگی می‌کنند و درگذران زندگی آنها نقش اساسی دارد. ۳۳ درصد خانوار ضمن تأمین

جدول شماره ۸: موارد مصرف درآمد حاصل از فروش قالی در خانواده

مورد هزینه	فراوانی	درصد
خرج خانه و زندگی	۳۳	۵۵
خرید جهاز دختران	۴	۶/۷
خرید و ساخت خانه	۲	۳/۳
جهاز و خرج زندگی	۲۰	۳۳/۳
پس انداز	۱	۱/۷
جمع	۶۰	۱۰۰

بخشی از خرج خانه و زندگی از طریق این درآمد جهاز دختران خانواده را نیز تهیه می‌کنند. ۶/۷۶ درصد افراد درآمد قالی را صرفاً به خرید جهاز دخترانشان اختصاص می‌دهند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که تنها ۱/۷ درصد خانواده‌ها و در واقع فقط یک خانواده از کل ۶۰ خانواده درآمد قالی را پس انداز می‌کند و نیاز به خرج فوری آن ندارد.

#### ۲ - ۴ - مشارکت زنان در تصمیم‌گیریهای آموزشی فرزندان:

باتوجه به اهمیت آموزش برای دختران روستایی و تحوّل در نگرشهای جامعه روستایی و بخصوص گسترش دامنه آرزوهای مادران برای تحصیل دخترانشان، انتظار می‌رود که زنان روستایی قالیباف با توجه به نقش مهم اقتصادی که در تأمین درآمد خانواده دارند، بتوانند در تصمیم‌گیریهای مربوط به فرزندانشان دخالت بیشتری داشته باشند.

جدول شماره ۹: چگونگی تصمیم‌گیری در مورد تحصیل فرزندان

تصمیم‌گیرنده	فراوانی	درصد
زن	۳	۸/۱
مرد	۳۲	۸۶/۵
زن و مرد مشترک	۲	۵/۴
جمع	۶۰	۱۰۰

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که در ۸۶/۵ درصد خانواده‌ها مردان در مدرسه فرستادن فرزندانشان بیشتر از زنان نقش داشته و مؤثر هستند. زنان در زمینه تصمیم‌گیری و اظهارنظر در مورد فرستادن یا نفرستادن فرزندان به مدرسه مشارکت چندانی ندارند و بیشتر تابع نظر مردان خانواده هستند و فقط در ۵/۴ درصد خانوارها زن و مرد به‌طور مشترک در مورد تحصیل فرزندان خود تصمیم می‌گیرند.

نقش زنان روستایی قالیباف در زمینه رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان مورد کنجکاوی بیشتری قرار گرفت. اطلاعات گردآوری شده نشان می‌دهد که تقسیم‌کاری در این مورد صورت گرفته است.

جدول شماره ۱۰: مشارکت زنان روستایی قالیباف در رسیدگی به امور تحصیلی فرزندان

مستول امور تحصیلی فرزندان	فراوانی	درصد
پدر	۱۶	۳۰/۱
مادر	۸	۱۵/۱
پدر - پسر - مادر / دختر	۲۸	۵۲/۸
سایر	۱	۱/۸
جمع	۶۰	۱۰۰

در حدود ۵۳ درصد خانواده‌ها، پدر مسئول امور تحصیلی پسر و مادر مسئول امور تحصیلی دختر است. در ۳۰ درصد خانواده فقط پدر و در ۱۵ درصد خانواده‌ها مادر مسئول امور تحصیلی فرزندان هستند.

شهرستان گناباد / مرکز شهرستان / پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳ - ۴ - مشارکت زنان در تعاونی فرش دستیافت:

علی‌رغم تأکید فراوان بر بهره‌مندی یکسان زن و مرد از تسهیلات و امکانات موجود اجتماعی، متأسفانه زنان دسترس کمتری به آن دارند و در جامعه روستایی این مسئله حادتر است و محدودیتها و محرومیتهایی نیز در امر دسترس زنان به خدمات روستایی مشاهده می‌شود.

بررسی انجام شده در روستای قبادیزن چنین نشان داد که زنان روستایی در تشکلهایی نظیر تعاونیها، حتی تعاونی قالیبافان که زنان تولیدکنندگان اصلی آن هستند مشارکت ندارند، گرچه به‌طور

رسمی از تعاونیها کنار گذاشته نشده‌اند، بلکه این امر به دلیل نوع بینش حاکم بر جامعه روستایی است که اجازه مشارکت در این زمینه‌ها را به زنان نمی‌دهد و مشارکت عملاً حق انحصاری مردان است و زنان را از شرکت در تعاونیهایی که مختص کار آنها (قالیافی) است، محروم می‌سازد. در فهرست دریافت شده از تعاونی فرش دستبافت (جهادسازندگی)، اسامی ۷۳ عضو تعاونی فرش مشاهده شد که از این تعداد فقط نام ۳ زن و بقیه اسامی متعلق به مردان بود، در حالی که تقریباً ۹۸ درصد بافندگان زنان هستند و این حرفه به آنها اختصاص دارد.

یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که ۹۷ درصد زنان روستایی قالیباف در جلسات تعاونی شرکت نمی‌کنند و در واقع اکثر اطلاع از این موضوع ندارند و اگر هم در این باره باخبر شوند فکر می‌کنند که مرد خانواده در این جلسات شرکت می‌کند. شاید به این دلیل که در واقع مردان را عضو تعاونی می‌دانند. البته براساس اظهارات مدیرعامل تعاونی مردانی که عضویت تعاونی را در واقع به نمایندگی از طرف زنان قالیباف خود به دست آورده‌اند نیز مشارکت چشمگیری در فعالیتهای تعاونی و جلسات آن ندارند و تعداد انگشت‌شماری از آنان ۵ - ۶ نفر در جلسات شرکت می‌کنند.

براساس این یافته‌ها، زنان روستایی قالیباف ضرورتی و نیازی برای مراجعه به تعاونی احساس نمی‌کنند و بدین ترتیب در فعالیتی که کاملاً مربوط به زنان روستایی است، مشارکت و حضور در تعاونی را مردان به دست گرفته‌اند.

زنان روستایی قالیبافی که عضو تعاونی هستند برای شرکت در جلسات به دیگران که مردان خانواده هستند وکالت می‌دهند. بنابراین زنان روستایی قالیباف جامعه مورد بررسی در شکل رسمی تعاونی فرش عضویت ندارند و در نتیجه انتظار مشارکت و حضور فعال آنان چندان با واقعیتهای جامعه همخوانی ندارد.

### نتیجه‌گیری:

با توجه به یافته‌های این تحقیق می‌توان نتیجه گرفت که دختران روستایی قالیباف از سنین پایین، یعنی زمانی که نیاز به آموزش و تحصیل دارند این حرفه را آغاز کرده‌اند. بافندگان سوادشان بیشتر در سطوح ابتدایی و نهضت سوادآموزی است، گرچه علت اصلی ندادن تحصیل نبودن امکانات و سطوح آموزشی بالاتر در روستا عنوان می‌شود ولی سهم چشمگیر درآمد حاصل از فروش قالی در اقتصاد خانوار و موارد هزینه آن نشان‌دهنده دلایل اقتصادی ادامه ندادن تحصیل دختران نیز محسوب می‌شود. در میان قالیبافان بیش از نیمی از آنها در معرض ابتلا به بیماری هستند، که آسیب‌پذیری آنها دلایل

متعددی از جمله مکان و محل نصب دار قالی، بافت مداوم، استفاده از نوع نخ و... دارد.

نقش اقتصادی زنان روستایی قالیباف بخصوص در خانوارهایی که اندازه واحد بهره‌برداری آنان کوچک است و مردها شغل دیگری به‌جز کشاورزی دارند کاملاً بارز است.

مشارکت زنان در تصمیم‌گیریها و نقش اجتماعی آنها در خانواده چه از نظر موارد مصرف درآمد حاصل از فروش قالی و چه از نظر تصمیم‌گیری در مورد تحصیل فرزندانشان و یا مشارکت در تعاونیهایی که به‌طور ویژه برای این گروه از تولیدکنندگان توسط سازمانهای دولتی تأسیس و حمایت شده است، بسیار ناچیز و محدود است.

## منابع

- ۱ - سازمان صنایع دستی ایران - جایگاه صنایع دستی در برنامه‌ریزی رشد و توسعه اقتصادی - (تهران: سازمان صنایع دستی ایران، ۱۳۶۸): ص. ۱۱.
- ۲ - همان مأخذ.
- ۳ - «تعاونیه‌های زنان روستایی» زیتون - (۱۱۲)، اسفند ۷۱ و فروردین ۷۲: ۷۲.
- ۴ - صور اسرافیل. شیرین - فرش ایران - ۱۳۶۶: ۳۲.
- ۵ - مرکز آمار ایران - سرشماری عمومی نفوس و مسکن - تهران: مرکز آمار ایران، ۱۳۶۵ - ج. ۱۱.
- ۶ - نشریه فرش - دوره اول - تابستان ۱۳۷۲: ۲۱.
- ۷ - ایران، وزارت جهادسازندگی. معاونت ترویج و مشارکت فردی، بررسی وضعیت موجود زنان روستایی ایران - تهران: وزارت جهادسازندگی، دفتر امور زنان ۱۳۷۲ - ج. ۲: ۲۲۸، ۲۴۹.
- ۸ - صوراسرافیل - همان: ۴۰، ۴۴.
- ۹ - گمرک ایران. سالنامه آمار بازرگانی خارجی سالهای ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۲.
- ۱۰ - ایران، وزارت جهاد سازندگی. معاونت ترویج و مشارکت مردمی، بررسی وضعیت موجود زنان روستایی ایران، تهران: وزارت جهادسازندگی، دفتر امور زنان، ۱۳۷۲ - ج. ۱.